

گستره ملی آموزش عالی در پرتو فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی^۱

دکتر محمد رضا سرمدی^۲

دکتر عیسی ابراهیمزاده^۳

عبدالحسین تفضلی مقدم^۴

دکتر محمدحسین دیانی^۵

چکیده

در این پژوهش مباحث جهانی شدن، نقش آموزشهای مبتنی بر فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی و تأثیر آنها بر آموزش عالی ایران بویژه آموزش از راه دور به روش کیفی بررسی شده است. منابعی که به این بررسی یاری رسانده اند، عبارتند از: نوشته‌های مرتبط به سه حوزه: جهانی شدن در پرتو فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی، ضرورت‌های تغییر در نظامهای آموزش عالی برای دسترسی همگان به این نوع آموزش و شرایط فعلی آموزش عالی در ایران. افزون بر منابع مکتوب، دیدگاههای چندین پژوهشگر این حوزه و نیز دیدگاه‌های کلیه اعضای هیئت علمی شاغل در دانشگاه‌های پیام نور، اعضای هیئت علمی مؤسسه‌هایی که از رویکرد آموزش باز و آموزش از راه دور استفاده می‌کنند و نیز پژوهشگران شاغل در مؤسسه‌های تحقیقاتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در این بررسی لحاظ شده است. در ادامه، چکیده مباحث که دستاوردهای کلی این پژوهش تلقی می‌شود، به جامعه علمی فعال در این حوزه تقدیم می‌شود. کلیدواژه‌ها: آموزش عالی و جهانی شدن، جهانی شدن، فوق قلمروگرایی و آموزش و پرورش، آموزش عالی ایران، آموزش از راه دور، آموزش مجازی.

۱. برگرفته از پایان‌نامه دوره دکتری با عنوان «بسترهای جهانی شدن برای گستره ملی آموزش عالی: آموزش باز و از راه دور (مورد ایران)». دانشگاه پیام نور. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. گروه علوم تربیتی.
۲. استادیار دانشگاه پیام نور.
۳. دانشیار دانشگاه پیام نور.
۴. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مشهد.
۵. عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

فوق قلمروگرایی

مفاهیم یا اصطلاحات بین‌المللی شدن، آزادسازی، همگانی شدن و مدرنیته که در بسیاری از منابع با جهانی شدن یکسان پنداشته شده‌اند، به این دلیل که هیچ‌یک نو نیستند و توان دگرگون‌کننده «جهانی شدن» را ندارند، معادلی مناسب برای جهانی شدن نیستند. در مقابل، پدیده‌های ارتباطات جهانی، بازارهای جهانی، تولید جهانی، پولهای جهانی، تأمین مالی (سرمایه‌گذاری) جهانی، سازمانهای جهانی، تغییرات جهانی که انسانها عامل آنهایند، هوشیاری جهانی و آموزشهای رسمی و غیر رسمی جهانی، که نمادها و نمودهایی از ظهور جهانی‌گرایی یا فوق قلمروگرایی و در نتیجه قلمروزدایی نسبی زندگی اجتماعی هستند، چهره واقعی‌تری از جهانی‌گرایی را که فرایندی رو به گسترش و تعمیق است، می‌نمایانند.

جهانی‌گرایی (به معنای فوق قلمروگرایی) ویژگیهای متمایز و مهمی دارد که اصطلاحات مورد استفاده در تحلیلهای اجتماعی فاقد آن هستند. جهانی‌گرایی با این تعریف، از نظر تاریخی، از ربع سوم قرن بیستم رو به شکوفایی گذارده است. از دیدگاه علت و معلولی، جهانی شدن ناشی از فرایندهای ساختاربنندی است که در آن نیروهای عقل‌گرایی، سرمایه‌داری، نوآوریهای فناورانه و امکانات نظارتی، نقش محوری را ایفا می‌کنند. از دیدگاه تغییرات اجتماعی، جهانی شدن تا کنون دگرگونی‌های چشمگیر اما نه تمام‌عیار را در ساختارهای اصلی تولید، حکومت، جامعه و دانش در پی داشته است. جهانی شدن از نظر تأثیرات، افزون بر برخی منافع مهم، از راه‌های گوناگون موجب تضعیف امنیت انسان، عدالت اجتماعی و دموکراسی نیز شده است. لذا، از دیدگاه واکنشهای سیاسی، یک برنامه اصلاحات بلند پروازانه می‌تواند با بسیاری از آسیبهای بالقوه جهانی شدن مقابله کند و بسیاری از منافع بالقوه آن را افزایش دهد.

این نتیجه‌گیریهای کلی، برای اندیشه و عمل اجتماعی پیامدهای مهمی دارند. دیگر نمی‌توان جغرافیای دنیا را تنها بر حسب فضاهای وابسته به قلمرو درک کرد. در این حیطه است که شیوه استنباط ما از سایر ابعاد روابط اجتماعی مثل فرهنگ، بوم‌شناختی،

اقتصاد، سیاست، روان‌شناسی و آموزش و پرورش تغییر می‌یابد. از نظر عمل اجتماعی، تغییر قابل توجه در پویایی‌های تولید، حکومت، جامعه و دانش قابل مشاهده است. با روزافزونی پدیده‌های فوق‌قلمروی، بحث جهانی‌سازی در برابر جهانی‌شدن رنگ می‌بازد و چهره‌ای فرایندی به خود می‌گیرد. در این فرایند است که کشورهایمانند ایران باید از منافع جهانی‌شدن یا فوق‌قلمروی در همه زمینه‌ها و بویژه آموزش سود ببرند. یکی از نمودهای فرایندهای فوق‌قلمرویی، گسترش استفاده از فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی بویژه اینترنت در حوزه یادگیری و آموزش است که بارزترین جلوه آن در تلاشهای مربوط به توسعه نظام آموزش عالی در پرتو فناوری اطلاعات و ارتباطات قابل مشاهده است. نوشته یا نا نوشته، دانشگاه‌ها همواره به بهره‌گیری از این امکان به عنوان یک روش تازه یا حداقل یک پشتیبان واقعی برای آموزش و یادگیری نظر دارند. موفقیت در توسعه آموزش از این راه، به تغییرات گسترده و فراهم بودن شرایط و عوامل مربوط وابسته است.

هنجارهای فرهنگی - اجتماعی و فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی

اهمیت هنجارهای فرهنگی - اجتماعی یک کشور در راه توسعه یا عدم توسعه آموزش مبتنی بر فناوری ارتباطات و اطلاعات در آموزش عالی آشکار است. ارج گذاری بر ایده‌ها و ایده‌پردازها که از هنجارهای فرهنگی - اجتماعی نشأت می‌گیرد، زمینه‌ساز اصلی روی آوری به این قبیل نوع آوریهاست. نگرش استادان به آموزش مبتنی بر فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی، متأثر از قابلیت‌ها یا مهارتهای کار در فضای مجازی رایانه و اینترنت است. آشکار است که ناآشنایی، بویژه هنگامی که تغییر در نظر است، به مقاومت می‌انجامد. بخشی از این مقاومت ممکن است در چارچوب نظریات سیاسی یا باورهای دینی رخ نماید. برای مثال، ممکن است استدلال شود که آموزشهای مبتنی بر فناوریهای ارتباطی، عوارض جنبی خود را دارد. مثلاً، ممکن است دانشجویان با دیگر فرهنگها آشنا شوند و این امر به دست کم گرفتن و حتی از دست رفتن فرهنگ خودی منجر شود. این

نگرانی وجود دارد که در سایه توسعه شبکه‌ها و ارتباطات در نظام آموزشی، ممکن است هویت‌های مطلوب و بهنجار مانند هویت دینی دانشجویان، به چالش کشیده شود. در کنار عوامل فرهنگی - اجتماعی، توانایی منابع انسانی مانند دانشجویان، استادان، کارکنان، کارشناسان و مدیران در به کارگیری و بهره‌وری از آموزش‌های مبتنی بر فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی است. این مورد به میزان سواد اطلاعاتی افراد ربط می‌یابد. چنان که اشاره شد، فوق قلمروگرایی در هر زمینه‌ای عوارض منفی و مثبت دارد. در نظام آموزشی نیز چنین است. اما درک صحیح و درست از آموزش‌های مبتنی بر فناوریهای ارتباطی و شیوه‌های بهره‌گیری مناسب از آنها برای توسعه آموزش الکترونیکی، باید از دغدغه‌های نظام آموزش عالی در مسیر حرکت خود در تبدیل شدن به یک نظام با محوریت دانش در گستره سرزمین بزرگ ایران باشد.

موانع پیش روی همگانی شدن آموزش در ایران

ایران کشوری بسیار وسیع با جمعیت پراکنده در روستاها، بخشها، شهرهای کوچک و کلان‌شهرهاست. این دو ویژگی، ایجاد تحولات لازم در ایرانیان بویژه از طریق آموزش را بسیار دشوار کرده است، به طوری که با وجود تلاش‌های گسترده از سال ۱۳۱۵ به بعد، هنوز بیسوادی ریشه کن نشده و سواد با کیفیت که مناسب تأثیرگذاری مثبت بر شرایط گسترش و تعمیق جهانی شدن است، در اندیشه و عمل ایرانیان جاری نگردیده است. رواج این نوع سواد که پیش نیاز آن بهره‌گیری از آموزش‌های دانشگاهی است، همواره با چند مانع بزرگ روبرو بوده است. از جمله فاصله مکانی بین انسانهای نیازمند آموزش عالی، هزینه‌ای که آموزش به این نوع انسانهای پراکنده طلب می‌کند و کمبود یا نبود نیروی انسانی مجرب که توان آموزش مناسب را داشته باشد.

این موانع در بسیاری از کشورها رواج داشته است و در صورت بهره‌نگرفتن از فناوریهای ارتباطی که جهانی شدن را میسر ساختند، ممکن بود همواره ادامه یابند. اما، فناوریهای ارتباطی به لحاظ فنی دو مانع را کنار زده‌اند: فاصله‌ها را از میان برداشته و

آموزش یک (مدرس) به بسیاری را میسر ساخته اند. فناوریهای ارتباطی بالقوه این امکان را دارند تا دانشجوی ساکن در روستای محمدآباد خرقان ساوه را در کلاس هر مدرسی در هر جای جهان بنشانند. یا کلاس درس یک استاد از دانشگاه صنعتی شریف، هزاران شاگرد در گوشه گوشه ایران یا جهان داشته باشد. آشکار است که این نوع آموزش یک (مدرس) به بسیاری از افراد (فراگیران)، در مقایسه با یک به چند دانشجو، هزینه ای بسیار اندک دارد. از طرف دیگر اینکه درسی که استادی در فضای مجازی ارائه می کند، نه تنها برای هر کسی که این درس را در مجموعه سایر درسها می گذرانند، بلکه برای کسانی که به منظوری خاص، مجزا از سایر درسها یا در پیوند با مجموعه ای از درسها در سایر حوزه های علمی دیگر طالب این درس هستند، قابل استفاده است. مثالی ساده از این نوع آموزش، آموزش درسهای معارف اسلامی است که هم در گروه آموزشی خاص، هم در گروههای دیگر آموزشی و هم برای افرادی که خارج از مجموعه ای درسی طالب یادگیری آن هستند، قابل استفاده است.

به کارگیری این نوع فناوری ارتباطی برای آموزشی یک به هزاران هزار، اکنون به لحاظ فنی میسر است و کسانی که به ملزومات مربوط دسترسی دارند، در محدوده های غیر رسمی از آن استفاده می کنند. به عنوان مثال، پاورپوینتهای بسیاری برای آموزش بسیاری از مطالب، نظیر درس آمار، به زبان فارسی برای فارسی زبانان و به زبان انگلیسی برای انگلیسی دانان دنیا از طریق شبکه اینترنت در دسترس است و بسیار مورد استفاده قرار می گیرد. تعداد مباحث آموزشی که می توانند در سراسر جهان به گونه ای یکسان تدریس شوند، کم نیست. هرگاه این ادعا را بپذیریم، به این نتیجه می رسیم که یک استاد یا مجموعه ای از استادان مرتبط می توانند به ارائه درس بپردازند و همه مردم دنیا آن درس را با زبان اصلی یا با زبان ترجمه شده به زبان هر قلمرو جغرافیایی بیاموزند.

نکته اصلی که تاکنون به آن پرداخته شد، از میان رفتن فاصله هاست. اما این شرایط، یعنی فضا و شیوه ای که آموزش باید در آن انجام گیرد، فضا و شیوه های متفاوت از فضا و شیوه های سنتی است. ایجاد این فضا، به بستری مناسب برای دسترسی سریع،

آسان و کم هزینه به همه ملزومات فناوری ارتباطی نیازمند است. افزون بر این، زبان و شیوه آموزشی که در این فضا به کار می رود، متفاوت از آنی است که در محیطهای سنتی کارایی دارد. در این فضا، نظریه های یادگیری به طور عام و نظریه های یادگیری مبتنی بر یافته های مطالعاتی انجام شده در فناوریهای آموزشی، به طور خاص حضوری فعال باید داشته باشند. به یقین، انتقال عین مطالب درسی که در کتابها هستند یا در کلاسها ارائه می شوند، نمی تواند راهبردی مناسب برای آموزش از طریق فناوریهای ارتباطی باشد. آشکارترین تفاوت بین آموزش سنتی و آموزش مبتنی بر فناوریهای ارتباطی این است که در اولی آموزش گروهی است و در نوع دوم، آموزش خواسته یا ناخواسته به آموزش فردی تبدیل می شود. در این صورت، توجه به معدل کلاس مطرح نیست، بلکه توجه به تغییر فکر و عملی است که از طریق این نوع آموزش در فردی خاص به وجود می آید. به بیانی دیگر، این نوع آموزش در عین حال که می تواند عده نامحدودی را در نظر داشته باشد، در عمل نوعی آموزش فردی است که تفاوتهای فردی یادگیرنده در نتیجه آن تأثیری تعیین کننده دارد. در آموزش سنتی، ایده آل مدرسی بود که هم عالم باشد و انتظار داشتیم هنرمند نیز باشد. در آموزشهای مبتنی بر فناوریهای ارتباطی، هم علم مدرس و هم هنر مدرس یا گروهی از افراد - که ممکن است واقعاً هنرمند نیز باشند - ضروری است، زیرا این هر دو از عینیت بیشتری از آنچه در کلاس قابل مشاهده بود، برخوردارند.

دانش پیش نیاز آموزش با کیفیت

گرچه با برنامه ریزی و تغییر سیاستهای آموزشی کشور، با سهولت کمتری می توان به خود فناوریهای ارتباطی دست یافت، اما دستیابی به دانشی که بتواند آموزشی با کیفیت تر از آموزش سنتی را از طریق فناوریهای ارتباطی به سراسر کشور ارائه دهد، با دشواریهای بسیاری همراه است. به زبان ساده تر، دستیابی به «تکنو» بسیار ساده تر از دستیابی به «لوژی» است. این ادعا هم در مورد در اختیار داشتن و سرپا نگهداشتن خود فناوری و هم به مؤثر بودن و روزآمدسازی محتوایی که از این طریق ارائه می شود، و هم به در اختیار

داشتن قوانین و مقررات مناسب و هم به فرهنگ سازی در جهت بهره گیری از فناوری اطلاعاتی برای آموزش، صادق است. فناوریها باید مناسب (روا) و پایدار (با ثبات) بوده و قابلیت روزآمد شدن داشته باشند. همچنین، تجهیزات مورد نیاز برای برقراری ارتباط باید با قیمتی که فراگیران توان تهیه آنها را دارند، در دسترس باشد. سرعت برقراری ارتباط باید به مناسب ترین و در عین حال مطلوب ترین حد رسانده شود.

محتوا باید عالمانه و با بهره گیری از دانسته های زیباشناسانه با قابلیت روزآمدسازی و نیز قابلیت مناسب سازی با نیازی خاص، تدوین و شکل داده شود. این موردی است که به آموزشهای اولیه بسیاری، هم برای مدرسان و هم برای شکل دهندگان به محتوای آموزشی نیاز دارد.

قوانین و مقررات باید با حمایت از آنچه در این مسیر انجام می شود، ارزشهای معنوی و مادی مشخص را برای تحصیل یا یادگیری در این فضا تعیین کند. آشکارتر اینکه این نوع آموزشها باید در نظام آموزشی ایران و در استخدام و به کارگیری فراگیران از حمایتهای لازم حقوقی برخوردار و ارزش واقعی یا ارزش معادل آنها برای کار و ادامه تحصیل در سازمانها و مؤسسه های آموزش رسمی و غیر رسمی تعیین شود و قوانین اجرا گردد و پایبندی همه را مورد تأکید قرار دهد.

روی آوری به این نوع آموزش و پذیرش همه شرایط آن بدون تغییر در فرهنگ یا نگاهی که تاکنون به آموزش داشته ایم، به تلاش بسیاری نیاز دارد. در گستره فرهنگ ایران زمین و در طی دورانهای طولانی، یادگیری از طریق گوش دادن مهمترین شیوه یادگیری بوده است. نقالان تاریخ ایران زمین و روحانیون، فرهنگ دینی را به صورت شفاهی و با سخنرانی در ذهن افراد جای می دادند. بیشترین شکل آموزشهای سنتی نیز، مدرس محور با رویکرد سخنرانی است و فراگیر، شنونده، گیرنده پیام و غیر فعال است؛ حال آنکه در آموزش مبتنی بر فناوریهای ارتباطی، فراگیر نقشی فعال دارد. زدودن رسوبهای فرهنگ سنتی از ذهن فراگیرانی که دوران ابتدائی، راهنمایی و متوسطه را بدین شکل گذرانده اند، دشوار است.

برای برطرف کردن این موانع، به سازمانی متفاوت از آنچه امروز به نام دانشگاه پیام نور فعال است، نیاز است. نظام آموزشی این دانشگاه، در تمام موارد گفته شده، دست پایین دارد. نیروی انسانی این دانشگاه، مدرسانی هستند که تقریباً نقشی جز کمک‌مدرسی^۱ ندارند. حتی توانایی علمی آنها برای تشریح محتوای کتابی که در آزمون آخر سال به آن مراجعه می‌شود، سنجیده نمی‌شود. به دلیل میزان کم ساعات حضور مدرس در کلاس درس، کمتر میسر است که کل کتاب درسی تدریس و به پرسشهای دانشجویان درباره این محتوا پاسخ داده شود. پرسشهای امتحان به طور متمرکز تهیه و بدون توجه به ضعفها و قدرتهای مدرسان و دانشجویان هر مرکز، به همه مراکز فرستاده می‌شود. این امکان وجود دارد که دانشجویی در سراسر نیمسال به کلاس نیاید و تنها از طریق خودخوانی نمره قبولی بگیرد. بی‌شک، کیفیت این نوع آموزش، کیفیتی نیست که کار با موفقیت در زمانه فوق‌قلمروگرایی را در پی داشته باشد.

دشواریهای روی آوری به آموزشهای مبتنی بر فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی

نظام فعلی آموزش در پیام نور، متکی به تعداد اندکی مدرس در مقایسه با تعداد زیادی دانشجوست؛ مدرسانی که حداکثر تلاش آنها برای آموزش مبتنی بر فناوریهای ارتباطی، تهیه پاورپوینت فشرده مطالب کتاب درسی است. تغییر از این وضعیت به وضعیت مطلوب، به تشکیلاتی متفاوت با نیروهای انسانی آموزش دیده برای آموزشهای مبتنی بر فناوریهای ارتباطی نیازمند است.

بر این اساس، در تغییر ساختارهای آموزشی برای قرار گرفتن در مسیری که شرایط فوق‌قلمروگرایی دیکته می‌کند، ممکن است تقویت یا بهبود یا تغییر در بسیاری از شاخصها ضروری باشد. برخی از این شاخصها عبارتند از: مسائل جمعیتی، مسائل زبانی، مسائل فردی، مسائل اجتماعی - حقوقی، و مسائل ملی - مذهبی. همزمان، تغییر دیدگاهها،

.....
1. Teacher assistant.

مهارتها و عملکردها در شاخصهای منابع انسانی درگیر یعنی استادان، دانشجویان، کارشناسان، کادر اداری، کارکنان اطلاعاتی (کتابداران و متخصصان رایانه) و مدیران ضرورت دارد.

به احتمال زیاد، نگرانیهای ابراز شده توسط مشارکت کنندگان در این پژوهش، ناشی از تلاشهای زیادی است که باید انجام گیرد تا شاخصهایی از نوع شاخصهایی که در بالا به آنها اشاره شد، به شرایط لازم برسند و یا به قابلیت‌های لازم دست یابند. این متخصصان پذیرفته اند که تنها با نظام سنتی نمی توان مشکلات آموزشی کشور را برطرف کرد. دست کم در شرایط فعلی، آموزشهای مبتنی بر فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی می تواند به عنوان پشتیبان وارد نظام آموزشی شود. وقتی وضعیت شاخصها به حد مطلوبی برسد، این نوع آموزش جایگزین بخشی از نظام آموزشی فعلی می شود. فشرده نظرات مشارکت کنندگان در این پژوهش موارد زیر است:

بیشتر مشارکت کنندگان پدیده جهانی شدن را ناگزیر تلقی می کنند. این توافق با بالا رفتن درجات تحصیلی، افزایش می یابد. نظرهای موافق با این ایده در همه رشته‌ها، در همه مراتب دانشگاهی و برای همه کسانی که به پژوهش و نگارش اشتغال دارند، کسانی که سابقه کار یا آموزش بیشتری دارند، بالاست.

یک سوم از پاسخ دهندگان، همسویی نظام آموزش باز و از راه دور با پدیده جهانی شدن را زیاد دانسته اند. زنان این همسویی را بیشتر از مردان می دانند. همسویی برای رشته‌های علوم انسانی بیشتر از علوم اجتماعی و این یکی بیشتر از علوم تلقی شده است. تقریباً در همه موارد، همسویی در حد متوسط دانسته شده است. تحرک بیشتر، پیگیری بیشتر و پاسخگویی بیشتر به انتشارات برای افزایش همسویی، ضروری دانسته شده است. رشته تحصیلی، سابقه تدریس، رتبه دانشگاهی و سطح فعالیت‌های علمی تأثیری در تطابق الگوهای آموزش باز با هدفهای توسعه ملی ندارد. در همه موارد، این تطابق متوسط دانسته شده است.

پاسخ دهندگان در مشخص کردن الگوهای آموزش از راه دور برتر، تردید دارند. هیچ الگویی بر الگوی دیگری ترجیح داده نشده است. تأکید بر این است که الگوهای رایج، ضعیف است و باید در جهت همسویی با برنامه های توسعه ملی پالایش و تقویت شود. این الگوها همسو با پدیده جهانی دانسته شده اند. بیشترین همسو در آموزشهای مجازی دیده شده است. در عین حال، بین این مورد و موارد دیگر تفاوت اندکی مشاهده می شود. همه موارد همسویی را بیشتر از ۳ از ۵ تلقی کرده اند.

درباره تأثیر آموزش از راه دور در ایجاد قابلیتهای زندگی و فرصتهای برابر، تردید وجود دارد. یک سوم از پاسخگویان در سه بخش طیف مربوط قرار دارند.

نظام آموزش باز و از راه دور تا به حال در ایجاد فرصت دستیابی به آموزش عالی بیشتر از ایجاد فرصت برابر و این یکی بیشتر از انباشت سرمایه انسانی و اجتماعی، موفق بوده است. اما در ایجاد قابلیتهای زندگی در فرایند جهانی کمتر موفق بوده است. حداقل موارد بالا ۲/۱۸ و حداکثر ۳/۴ از ۵ بوده است.

عدم همخوانی زیر ساختهای فنی و نیروی انسانی آموزش از راه دور ایران با پدیده جهانی شدن، حداکثر ۷۰٪ برآورد شده است. بیشترین تأکید بر آن است که نیروی انسانی، تغییر مناسب در برنامه های درسی و آموزشهای فناوری، متغیرهای کلیدی در این موردند. همه رشته ها و در تمام سطوح بر اهمیت موانع فرهنگی و قانونی پیش روی توسعه آموزش باز و از راه دور در کشور تأکید دارند. دیوان سالاری و دگم اندیشی مدیران، دسترسی آزاد به اطلاعات را محدود و نظام آموزشی را در چارچوبی ایستا، از حرکت بازداشته است.

خلاصه اینکه، حرکت به سوی شرایطی که جهانی شدن دیکته می کند، اجباری است. آموزش از راه دور می تواند با تغییرات مناسب در کمیت و کیفیت حرکتی که در این مسیر آغاز شده است، تاثیر گذار باشد. (موردی که تاکنون در ایجاد فرصتهای برابر و افزایش قابلیتهای زندگی موفق نبوده است). تغییرات باید در مسیری باشد که دستیابی به هدفهای توسعه ملی را ممکن سازد. اینکه کدام الگو برای طی این مسیر مناسب تر است، به

تحقیق بیشتر نیاز دارد. زیرساختهای نیروی انسانی، محتوا و منابع آموزشی و دانشها و مهارتهای فناوری، به تقویت زیاد نیاز دارند. موانع فرهنگی از جمله نظام دیوان سالاری و مدیریت محوری امور، سد راه حرکت رو به جلو است.

مسیر مناسبی که دنبال شود

تصویب سند چشم انداز بیست ساله که در افق چشم انداز آن ایران به کشوری پیشرفته از هر لحاظ در خاورمیانه مبدل می شود، امیدهای بسیاری را برای حرکت به سوی تغییرات زیربنایی به وجود آورد. اما حرکت بسیار کند در مسیری که سند چشم انداز مشخص کرده است، می تواند بخشی از آن چیزی را که به عنوان موانع فرهنگی - اجتماعی نام دارد، نمایان سازد. نیروهایی، اغلب فاقد توان عملی تغییر و به روز شدن، طالب حرکت در مسیر هستند و نیروهایی، غالباً با توان عملی، سد راه بمانند. معمولاً نیروهای گروه دوم اولویتهای جاری را بر اولویتهای سند چشم انداز، ترجیح می دهند. حتی اگر این برداشت درست باشد، حاکی از نبود توافق عمومی بین برخی نخبگان و اداره کنندگان جامعه درباره مسیر حرکت است. چنین موردی را می توان نبود اراده قوی ملی برای ایجاد تغییر در شرایط موجود دانست که در قالب بحث جهانی شدن به عنوان یک فرایند و جهانی سازی به عنوان فشار از خارج برای تغییر، قابل تعبیر است. تا هنگامی که مورد دوم در ذهن مدیران و نخبگان جامعه حضور فعال دارد، بویژه اگر تأکید بر آن، حاوی مزایای سیاسی یا اقتصادی یا احساسی از پتانسیل خطر برای باورهای دینی در بطن خود داشته باشد، عامل فرهنگی - اجتماعی، عاملی بازدارنده است. اما واقعیتهای اجتماعی، فناورانه و تأثیرهای جهانی خنثی نیستند و تأثیرهای خود را برای تغییر شرایط فرهنگی - اجتماعی بر جای می گذارند، هر چند ممکن است این تغییرات به کندی صورت گیرد.

هرگاه تغییرات کندتر از آن چیزی باشد که جامعه طالب آن است، گزینه‌های جایگزین ظاهر می شوند؛ موردی که با کم توجهی به وظایف معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات در وزارت علوم، به صورت معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری رخ نمود.

خصلت بروکراسیهای اداری این است که هرگاه دستگاهی وظایف خود را آن گونه که جامعه انتظار دارد انجام ندهد، دستگاه دیگری برای انجام آن وظیفه به وجود می‌آید. امید است جایگزین فعلی نیز دچار حرکت لاک پشتی معاونت وزارت علوم نشود و آنچه در کلام گفته می‌شود، به عمل تبدیل گردد (منظور درصد اعتباراتی است که سازمانهای دولتی باید برای رشد تحقیقات و فناوری سالانه هزینه کنند).

مسیر دیگری که در حال طی شدن است، دستیابی به کمیتهای مندرج در هدفهای سند چشم انداز یا هدفهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. فراخوانی هزاران هزار دانشجو به مؤسسه های آموزشی، بویژه مؤسسه های آموزشی که تواناییهای کمتری دارند (دانشگاه پیام نور و مراکز آموزش عالی غیر انتفاعی وابسته به وزارت علوم). موردی که ممکن است بخش قابل توجهی از اقشار جامعه را که به هر دلیلی به دانشگاه راه نمی‌یابند، خشنود کند؛ اما این شیوه عمل فاقد کیفیتهایی است که زندگی در جامعه جهانی طلب می‌کند. بر اساس دیدگاه مثبتی که «دانیل بل» به جامعه اطلاعاتی می‌نگرد، جامعه اطلاعاتی جامعه ای است که افراد دانشمند، خردمند، برنامه ریز و مجریان توانا با برنامه ریزیها و اقدامهای مناسب خود، از پیشامدهای ناگوار جلوگیری می‌کنند. او تأکید دارد که یکی از ویژگیهای جامعه اطلاعاتی این است که امور - از هر نوع آن - بر اساس نظریه های علمی اداره می‌شود. بعید است که با حجم فراتر از توان آموزشی اعضای هیئت علمی به شکل سنتی، انسانهایی با ویژگیهایی که «دانیل بل» برای جامعه اطلاعاتی مشخص کرده است، سازگار باشد.

این شیوه عمل برای هیئت علمی در هر سطح بار اضافی آموزشی تولید می‌کند و با روندی فرسایشی، توانی برای عضو باقی نمی‌گذارد که به پژوهش، اندیشیدن و نوآوری که هسته مرکزی جامعه اطلاعاتی و شرایط فوق قلمروی است، پردازد. این مورد بویژه با نیروی انسانی اندک - در مقابل تعداد زیاد دانشجو - در دانشگاه پیام نور بیش از هر جای دیگری آشکار است. این دانشگاه مدعی ترین دانشگاه برای بهره گیری از فناوریهای ارتباطی و راه اندازی آموزشهای مجازی است. تنها نشانی که از حرکت در مسیر دانشگاه

مجازی در این دانشگاه دیده می شود، انتقال محتوای کتابهای درسی در ساده ترین شکل توسط مدرس به پاورپوینت است.

هنوز شاهد نیستم که گروهی از متخصصان، برنامه ریزان و فناوران (رایانه ورزان، تکنولوژیستهای آموزشی، گرافیسرها و ...) فرا خوانده شوند تا برای تغییر وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب، برنامه ای تنظیم کنند. حتی هنوز شاهد انتشار سیاستهای جزئی این دانشگاه یا دانشگاه‌های دیگری که وارد آموزشهای مجازی شده اند، نیستیم. این پژوهشگر بر اهمیت تشکیل کارگروه‌هایی از این نوع و ارائه سیاستها، خط مشی‌ها و رویه‌هایی که می نمایاند، تأکید دارد.

با وجود اینکه کشورهایی بسیار ناتوانتر از ما از سرعتهای مطلوبی برای دسترسی به اینترنت برخوردارند، هنوز سایه نگرانی از پیامدهای سیاسی و دینی اجازه نمی دهد افراد و بویژه سازمانها دسترسی پر سرعت به اینترنت داشته باشند. این مورد جدا از موانعی است که بر سر راه دستیابی به تعداد قابل توجهی از سایتهای علمی وجود دارد. به بیانی دیگر، زیرساختهای فناوری ارتباطی در ایران ناتوانتر از آن است که بتواند از برنامه ای متناسب برای ایجاد فرصتهای آموزشی در ایران پشتیبانی کند. متأسفانه برنامه ها و طرحهایی که با عنوان تکفا در جریان بود و اقدامهایی که با عنوان دولت الکترونیک انجام می شد، در قدمهای اولیه به دلیل حمایت نکردن نخبگان و اداره کنندگان کشور، شادابی اولیه را از دست داده اند و امیدواری به آنها برای یاری رساندن در تقویت زیرساختها، ساده اندیشی تلقی می شود.

تأکید بر خصوصی سازی، آن گونه که ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی در حال وقوع است، می تواند در حوزه دستیابی به زیرساختهای فناوری ارتباطی امیدبخش باشد، به شرطی که خصوصی سازی نیز در قالب خواسته های کسانی که می خواهند شرایط ثابت بماند، قرار نگیرد.

نکته نویدبخش دیگر، آموزشهای عمومی و گاه تخصصی است که در سازمانهای دولتی، شرکت در آنها برای کارکنان تقریباً اجباری است. هرگاه این آموزشها برای

توانایی کار با رایانه و پرورش افرادی دارای مهارت با استانداردهای سواد اطلاعاتی - بویژه در سطح دانشگاهی و برای اعضای هیئت علمی - ارائه شود، می‌تواند پاسخگوی تربیت نیروهای مناسب کار و فعالیت در دانشگاه مجازی باشد. در عین حال، اعزام گروهی از متخصصان تعلیم و تربیت و حوزه فناوری آموزشی و متخصصان شبکه ساز، برای مطالعه و مشاهده آنچه کشورهای دیگر در حوزه دانشگاه مجازی انجام داده اند، ضرورت دارد. هر چه تعداد این گروه‌ها بیشتر باشد، تعداد بیشتری از دست‌اندرکاران دانشگاه مجازی زیر پوشش آموزشهای این تیمها قرار می‌گیرند و احتمالاً به این طریق بخشی از نیروهای انسانی که باید عامل تغییر وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب باشند، تأمین می‌شود. هرگاه دو مانع بهره‌گیری از متخصصان خارجی و یا اعزام برای گذراندن دوره‌های کوتاه مدت به خارج بر طرف شود، با سرعت بیشتری می‌توان بر مشکل فعلی غلبه کرد.

گرچه مطلوب و منطقی است که همه انسانها از فرصتهای آموزش عالی برخوردار باشند، ولی در دنیایی که از هر عملی بازده اقتصادی طلب می‌شود، بازکردن در دانشگاه‌های سنتی و مجازی به روی همه، همانند آنچه در دوره‌های سواد آموزی می‌گذرد، مطلوب نیست. با افزایش تعداد فراگیران، در مقابل دشواریهای فراوان تربیت مدرس با کیفیت، از کیفیت آموزش کاسته می‌شود. پیام این پژوهشگر این است که، آنهایی که ظرفیتهای لازم برای موفقیت در دانشگاه - سنتی یا مجازی - را دارند و سرمایه‌گذاری بر روی آنها بازده معقولی دارد، به هر نوع نظامی آموزشی راه یابند. وارونه این نوع تفکر این است که بازار کار در شرایط فوق قلمروگرایی، طالب افرادی است که بازده اقتصادی دارند. گرچه این پیام منتقد بزرگ جامعه اطلاعاتی هربرت شیلر است، اما واقعیتی است که اکنون در بسیاری از کشورها و در آینده در ایران نیز بیش از امروز رخ خواهد نمود. وقتی ریاست جمهوری در سخنرانی هفته پژوهش سال ۱۳۸۷ اعلام می‌کند پژوهشی، پژوهش است که مشکلی از مشکلات جامعه را حل کند، به گونه‌ای غیر مستقیم اعلام می‌دارد که دوران پژوهش برای پژوهش و آموزش برای آموزش سپری شده است. ممکن است تخصیص اعتبارات ناکافی به پژوهش و توجه اندک به رشته‌های علوم انسانی

در ایران نیز این پیام را در خود داشته باشد که این پژوهشها و این آموزشها بازدهی اقتصادی لازم را ندارند. بدین سبب، گسترش آموزشهای سنتی و مجازی به اتکای رشته‌های علوم انسانی، از ایجاد تغییرات مثبت در بهبود شرایط زیست ایرانیان ناتوان است. بر این اساس، پیام دیگر این پژوهشگر این است که آموزشهای مجازی بیش از آنکه به ایجاد فرصتهایی برای آموزشهای درحوزه علوم انسانی و تا اندازه ای اجتماعی بیندیشد، به حوزه های علوم کشانده شود؛ موردی که دانشگاه صنعتی شریف در حال انجام آن است.

منابع

- استاذزاده، زهرا (۱۳۸۲). *دانشگاه مجازی، آموزش از دور و توسعه*. مجموعه مقالات اولین همایش ملی توسعه دانشگاه مجازی، دانشگاه قرن بیست و یکم. انتشارات مرسل، تهران.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴). *چالش های معرفت شناختی جهانی شدن برای تعلیم و تربیت*. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ذاکر صالحی، غلام رضا (۱۳۸۳). *دانشگاه های آینده: بررسی ابعاد تحول در آموزش عالی*. مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی انجمن آموزش عالی ایران.
- رابینز، کوین و فرانک وبستر (۱۳۸۴). *عصر فرهنگ فناوریانه: از جامعه اطلاعاتی تا زندگی مجازی*. ترجمه مهدی داودی.
- رشادت جو، حمیده (۱۳۸۳). *جهانی شدن و مدیریت منابع انسانی*. پاسخ آموزش عالی. مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، مؤسسه پژوهشی و برنامه ریزی آموزش عالی.
- شولت، جان آرت (۱۳۸۲). *نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن*. یان آرت شولت؛ ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- ضرغام، نصرت‌الله (۱۳۷۱). *آموزش از دور در جهان*. مجموعه مقالات اولین سمینار تخصصی آموزش از دور. دانشگاه پیام نور، تهران.
- میرشمشیری، مرجان (۱۳۸۴). *جهانی شدن و تأثیر و تأثر آن بر نظام های آموزش و پرورش و آموزش عالی*. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- وبستر، فرانک (۱۳۸۲). *نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی*. ترجمه مهدی داودی. تهران: وزارت امور خارجه.